



## گردشگری و دستبافته‌های سنتی در استان گیلان

سامرا سلیم‌پور آبکنار

استادیار گروه پژوهشی هنرهای سنتی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.

### چکیده

گردشگری برای اغلب انسان‌ها با گذراندن اوقات فراغت برای ترمیم قوا، رفع خستگی جسمی و روحی در ارتباط است. با این وجود، در بسیاری از کشورها گردشگری یک بخش مهم اقتصادی محسوب می‌شود که سهم به‌سزایی در رشد و توسعه آن دارد. زمانی که یک گردشگر برای گذراندن اوقات فراغت به مقصد مورد نظر رهسپار می‌شود، تمایل دارد بهترین و شیرین‌ترین خاطرات را با خود به ارمغان آورد. بنابراین، در جستجوی سپری کردن زمان خویش از طریق بازدید از جاذبه‌های توریستی، چشیدن غذاهای محلی، معاشرت با ساکنان بومی، خریدن سوغات و یادگاری‌های منحصر به فردی است که تنها متعلق به آن منطقه است. یکی از جاذبه‌های توریستی برای گردشگران که بر اساس آن می‌توانند به هویت تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و آداب و رسوم ساکنان منطقه پی ببرند، دستبافته‌های سنتی و بومی است. از این رو، هدف این مطالعه معرفی دستبافته‌های سنتی یکی از گردش‌پذیرترین مناطق ایران با نام استان گیلان است. همچنین، این جستار در پی یافتن پاسخی به این پرسش است که دستبافته‌های سنتی گیلان چه نقشی در جذب گردشگر و رشد اقتصادی منطقه دارند؟ نتایج نشان می‌دهد که شکل‌گیری دستبافته‌های سنتی گیلان متناسب با «اقلیم جغرافیایی، پوشش‌های گیاهی و مواد اولیه بوم‌آورد» است؛ به نحوی که علاوه بر برطرف نمودن نیازهای ساکنین محلی، به اقتصاد خانواده و امرار معاش آنها در کنار پیشه‌های کشاورزی و صیادی کمک قابل توجهی نموده است. روش پژوهش بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی است.

**واژگان کلیدی:** گردشگری، دستبافته‌های سنتی، استان گیلان.



## مقدمه

امروزه گردشگری<sup>۱</sup> برخلاف سایر صنایع تولیدی که آلودگی محیط زیست را فراهم می‌آورند با نام «صنعت سفید»<sup>۲</sup> زمینه‌ساز دوستی، تفاهم، صلح و صفا مابین انسان‌ها و ملت‌هاست (الوانی، ۱۳۸۵). علاوه بر این، صنعت گردشگری به دلیل ایجاد تغییرات سریع اجتماعی، اقتصادی و محیطی به یکی از حوزه‌های مهم مطالعاتی در بین پژوهشگران مبدل شده است (تقوی و قلی‌پور سلیمانی، ۱۳۸۸). اذعان شده که این صنعت چه از نوع داخلی و یا خارجی بیشترین درآمد اقتصادی را در مقایسه با سایر صنایع همچون پتروشیمی، نفت، خودروسازی، ارتباطات و غیره می‌تواند برای یک کشور فراهم آورد. به همین دلیل سرمایه‌گذاران اغلب کشورها به سرمایه‌گذاری نیروی انسانی، زیرساخت‌ها، اشتغال‌زایی‌های خرد و کلان در صنعت گردشگری ترغیب شده‌اند (لطفی خاچکی، ۱۳۸۷).

ایران با داشتن اقلیم چهار فصل و تنوع آب و هوایی، جاذبه‌های طبیعی، تاریخ و تمدن کهن، آثار باستانی، مذهبی، معماری، صنایع دستی و هنرهای سنتی که از تکرر اقوام در نواحی جغرافیایی مختلف سرچشمه می‌گیرد، از قابلیت‌های فراوانی برای تبدیل شدن به یک قطب گردشگری جهانی برخوردار است. در میان رشته کوه‌های البرز و تالش در شمال ایران، یکی از مناطق زیبا و گردشگرخیز ایران با نام «گیلان» واقع شده است. واژه گیلان برگرفته از «گیل» به اضافه پسوند مکان «ان» به مفهوم «محل سکونت گیل‌ها» دارای مساحتی بالغ بر ۱۴۰۴۴ کیلومتر مربع است (دهخدا، ۱۳۷۷). گیلان از غرب با اردبیل، از شرق با مازندران، از جنوب با زنجان و قزوین و از شمال با دریای مازندران و جمهوری آذربایجان هم مرز و همسایه است. از مهمترین شهرستان‌های این استان نیز می‌توان به رشت (مرکز استان)، بندرانزلی، لاهیجان، آستارا، لنگرود و رودبار اشاره نمود (شکل ۱).



شکل ۱- نقشه جغرافیایی استان گیلان (Gilan.mcth.ir).

<sup>1</sup> Tourism

<sup>2</sup> White industry



از منظر مختصات جغرافیایی نیز گیلان مابین  $36^{\circ} 36'$  تا  $38^{\circ} 27'$  شمالی و  $48^{\circ} 25'$  تا  $50^{\circ} 34'$  شرقی ارزیابی می‌شود (زنده‌دل و سلیمی، ۱۳۷۸). آب و هوای این استان «معتدل خیزی» است و کشیدگی کوه‌های تالش از شمال به جنوب و رشته کوه‌های البرز از غرب به شرق مانع از عبور هوای شرجی دریای مازندران شده و بادهای مرطوب شمال غربی نیز به مناطق داخلی باز می‌گردند. به همین دلیل، بارندگی‌های فراوان در ارتفاعات این اقلیم سبب شده که گیلان به یکی از سرسبزترین و معتدل‌ترین مناطق ایران با میانگین بارش پراکنده و غیریکنواخت سالانه ۱۴۰۰ میلی‌متر برسد. البته باید یادآور شد که تبخیر سطحی آب دریای مازندران از اصلی‌ترین دلایل اعتدال دما در این اقلیم است (اصلاح عربانی، ۱۳۸۰). علاوه بر این، این استان به عنوان یکی از مهمترین مناطق زیست پستانداران و پرندگان کشور معرفی شده است. این تفاوت پوشش‌های گیاهی و جانوری با تنوع آب و هوایی، نوع سنگ‌ها، فرسایش و ضخامت خاک، بارندگی‌های مختلف متناسب با تفاوت ارتفاع از سطح دریا در ارتباط است (حاجی‌علی محمد زرگر، ۱۳۹۶).

بر اساس دستاوردهای باستان‌شناسی، سابقه سکونت در اقلیم گیلان چهار هزار سال پیش از میلاد تخمین زده شده است. از تیره‌ها و قومیت‌های مختلف شناسایی شده در این منطقه می‌توان به اقوام دیلم، تالش، گیل، گالش، ترک و تات اشاره نمود. بر اساس پژوهش‌های انجام شده قوم گیل دارای قدمت پیش از تاریخ هستند که بخش اعظمی از جغیت این استان را به خود اختصاص داده‌اند. گالشیان نیز تیره‌ای از این قومند که در نواحی کوهپایه‌ای و کوهستانی غرب و شرق گیلان استقرار یافته‌اند (فاخته، ۱۳۸۶).

اقتصاد استان گیلان بر مبنای زندگی دامداری، روستایی و شهری به سه بخش تقسیم می‌شود. زندگی دامداری در مراتع سرسبز و آبشخورهای طبیعی از رونق بالایی برخوردار است و در نواحی کوهستانی و ییلاقی تالش، آستارا، فومن، ماسال، دیلمان، سیاهکل و اشکورات مشاهده می‌شود. زندگی روستایی در روستاهایی که دارای پراکندگی کم و تراکم بالا با حد فاصل اندک از یکدیگر واقع شده‌اند، در جریان است. ساکنان روستاها اغلب به کار کشاورزی (کاشت برنج و درختان میوه)، دامداری (ساکن و نیمه کوچ‌نشینی در مناطق کوهستانی)، مرغداری، پرورش کرم ابریشم و صیادی مشغولند. علاوه بر این، به دلیل رویش گونه‌های خاصی از گیاهان با نام‌های سوب (Sub)<sup>۱</sup>، لی (Li)<sup>۲</sup>، کُله (Koler)<sup>۳</sup> و کُلوش (Kulus)<sup>۴</sup> در این استان هنر سنتی و محلی حصیربافی از سرگرمی‌های زنان روستایی در اوغات فراغت‌شان محسوب می‌شود. از آنجایی که تفاوت اقلیمی و آب و هوایی چندانی میان مناطق شهری و روستایی گیلان نیز مشاهده نمی‌شود، زندگی شهری قرابت بسیاری با زندگی روستایی دارد (شاه‌حسینی و حاجیان فروشانی، ۱۴۰۲).

در استان زیبای گیلان کار، زندگی تفریح و بازی با آیین‌های فرهنگی و آداب و رسوم بومی و محلی درهم آمیخته تا جایی که در نمایش‌های سنتی‌شان می‌توان ردپای آنها را مشاهده نمود. علت این امر آنست که بخش‌های مختلف زندگی کشاورزی نظیر: کاشت، داشت و برداشت برنج، آبیاری، آفتاب‌خواهی و یا باران‌خواهی، مراسم یآوری و غیره در آیین‌هایشان وجود دارد که گهگاهی حرفه دامپروری را نیز در بر می‌گیرد. درهما می‌ختگی فرهنگ‌های بومی و غیربومی، آیین‌های سنتی و محلی که ریشه در باورها، اعتقادات، آداب و رسوم ساکنان گیلان دارد از جاذبه‌ای توریستی این استان محسوب می‌شود (Salimpour, 2021).

با جستجو در پایگاه مجلات، نشریات تخصصی و علمی-پژوهشی به مقالات پراکنده و یا کوتاه در پایگاه‌های خبرگزاری بر می‌خوریم که هر کدام به‌صورت جداگانه به دستبافته‌های سنتی استان گیلان اشاره نموده‌اند. با این وجود، مطالعه‌ای جامع که به معرفی این دستبافته‌ها پرداخته باشد و علاوه بر معرفی این هنرها، به ارتباط چگونگی شکل‌گیری آنها با اقلیم جغرافیایی

<sup>۱</sup> گیاهی جنگلی و خودرو که در آبگیرها و زمین‌های مرطوب می‌روید و پس از برداشت در نیمه دوم فصل تابستان باید در انبارهای تاریک و مرطوب نگهداری شود.

<sup>۲</sup> گیاهی است مردابی با برگ‌هایی دراز و باریک به ارتفاع تقریبی ۱/۵ متر و گل‌های زرد و زیبا و از مواد اولیه حصیربافی می‌باشد.

<sup>۳</sup> گیاهی است مردابی که نرم و پف کرده که محل رویش این گیاه در تالاب انزلی است.

<sup>۴</sup> ساقه‌های شالی یا کاه که در مزارع برنج می‌روید.



ناحیه پرداخته باشد، به چشم نمی خورد. از این رو، در این مقاله به معرفی دستبافته‌های سنتی و بومی گیلان و تاثیر آنها بر اقتصاد گردشگری می پردازیم.

## روش تحقیق

روش تحقیق بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی است.

## یافته ها

نساجی سنتی<sup>۱</sup> به مفهوم تولید یک محصول به شیوه دستی و شامل استفاده از الیاف طبیعی (پنبه، پشم، ابریشم و غیره)، نخ‌ریسی دستی (با کمک دوک و چرخ ریسندگی دستی)، بافندگی دستی (با دستگاه‌های ساده بافندگی از نوع دو وردی، چهار وردی تا ژاکارد دستی)، رنگرزی سنتی با رنگزاهای طبیعی، چاپ و رودوزی‌های سنتی است. از مهمترین ویژگی‌های یک دستبافته سنتی «حضور موثر جسم و روح انسان» در تولید، طراحی، نقش و رنگ دستبافته است که تماماً از روح و ذهن هنرمند سرچشمه می گیرد و تحت تاثیر باورها، آداب و رسوم و عقاید مذهبی و غیرمذهبی اوست. نخستین نشانه از وجود یک منسوج گیاهی و ظریف بافت مربوط به ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد است که در طی حفاری‌های شهر شوش بدست آمده است. علاوه بر این، هردوت - مورخ معروف یونانی - از نساجی ایران در ادوار پیش از میلاد سخن به میان آورده و فردوسی بلندمرتبه نیز در اشعار خود از جمشید به عنوان مخترع دستگاه بافندگی ایرانی یاد می کند. در دوره هخامنشیان نیز بافت پارچه‌های پشمی نرم و لطیف مشهور بوده است (یاوری و عرفانی، ۱۳۹۲).

امروزه تولید دستبافته‌های سنتی در مناطق شهری (به صورت کارگاهی) و روستایی رواج دارد و در خانواده‌های روستایی و عشایری نوعی کالای مبادلاتی و ثروت خانوادگی محسوب می شود و بخش مهمی از اقتصاد خانواده را به خصوص در زمان‌هایی که کشاورزی و دامداری از رونق کمتری برخوردار باشند، بر دوش می کشد. اگر چه در اغلب مناطق ایران دستبافته‌های سنتی به چشم می خورند؛ با این وجود، دستبافته‌های استان‌های یزد، خوزستان، گیلان، مازندران، سیستان و بلوچستان، اصفهان و خراسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. در ادامه به معرفی مهمترین دستبافته‌های سنتی اقلیم گیلان خواهیم پرداخت:

## گلیم بافی

انسان برای رفع نیاز پوشش فضای زندگی خود همواره به فکر بافتن زیراندازهای ساده بوده است که در این میان گلیم قدمتی بیش از سایر دستبافته‌ها دارد. گلیم یک دستبافته تار و پودی است از نوع داری (عمودی یا افقی) و بدون پُرز که برای آن قدمت زیادی قائل هستند: «گلیم نوعی فرش بدون پُرز است که به عنوان زیرانداز به کار می رود. در گذشته فقط گلیم‌های پشمی تولید می شد. اما بعدها گلیم‌های پشمی، ابریشمی و پشمی - ابریشمی نیز متداول شد. گلیم یکی از قدیمی ترین دستبافته‌های بشر با سابقه‌ای ۷۰۰۰ ساله به شمار می آید» (قاسمی، ۱۳۸۳).

به دلیل در دسترس بودن پشم در استان گیلان، گلیم بافی یکی از هنرهای دستی و سنتی قابل اعتنا و اما خانگی محسوب می شود که اغلب در فصول پاییز و زمستان با ابزارهای کاری مشابه در سایر نقاط ایران بافته می شود. عمده ترین مناطق بافت گلیم در گیلان مربوط به نواحی آستارا، هشت پر (تالش) و حیران است و البته اغلب گلیم‌های تولیدی به دلیل محدودیت تولید تنها برای رفع نیازهای منطقه است و در بازارهای محلی کمتر از این دستبافته به چشم می خورد.

نقوش گلیم‌ها و رنگ‌های به کار رفته در نخ و الیاف گلیم عموماً بیان کننده شرایط محلی، اقلیمی، آب و هوای محل زندگی استادکاران بافنده و باورهای آنهاست (شکل ۲). اگرچه نقوش گلیم گیلان تا حدودی از نقش‌های هنری سایر نقاط ایران بهره جسته است؛ اما به دلیل همجواری شهرهای آستارا و تالش با استان اردبیل گلیم بافی گیلان تحت تاثیر نقوش اردبیل است. رنگ‌های مورد استفاده در گلیم‌های گیلان شاد، زنده، تند و متنوع و متأثر از طبیعت زیبا و سرسبز منطقه می باشند. فام‌های

<sup>1</sup> Traditional textile



رنگی قرمز، قهوه‌ای، سبز، آبی، سورمه‌ای، سبز و سفید از متداول‌ترین فام‌های مورد استفاده در گلیم گیلان است که به نقوش زیبایی وصف ناشدنی می‌دهد. نقوش نیز اغلب از نوع هندسی (لوزی، شش ضلعی و لانه زنبوری)، گیاهی (بوته، ترنج و گل)، جانوری (سگ و بز)، اشیا (شانه و سماور) و انسانی (دختر با موی بلند در حالت دست به کمر) است. لازم به ذکر است که این نقوش غالباً با بیانی نمادگرا یا آرمانی بر گلیم‌های گیلان تجلی می‌یابند (شادقزوینی، ۱۳۸۳).



د

ج

ب

الف

شکل ۲- گلیم‌های گیلان با نقوش: الف) انتزاعی (آینه گل)، ب) اشیا (سماور)، ج) هندسی (لوزی-پروانه)، د) انسانی (نصرتی و یوزباشی، ۱۳۹۹).

### حصیربافی

حصیربافی یا بافت بوریا به مفهوم بافت رشته‌های حاصل از الیاف سلولزی (یا گیاهی) با کمک دست یکی از قدیمی‌ترین هنرهای سنتی بشر است که محصولات آن متنوع و انواع زیرانداز، سفره، سبد، ظروف، کلاه، کیف و زبردانی می‌باشند (شکل ۳). بر اساس عقاید بسیاری از پژوهشگران، پس از سنگ‌تراشی، حصیربافی از قدیمی‌ترین هنرهایی است که انسان با آن آشنا بوده و سایر هنرهای دستی نظیر: گلیم‌بافی، بامبوبافی، پارچه‌بافی و غیره از این هنر نشأت گرفته‌اند. هنگامی که بشر هنوز با صنعت سفال‌گری آشنا نشده بود روی سبدها را با گل می‌پوشاند و بر روی آتش می‌پخت تا ظروفی بدست آورد که بتواند با آن غذا و آب حافظت کند. «بسیاری از انواع کوزه‌ها و سفالینه‌های روزگاران نوسنگی و مس، نی‌ها یا ترکه‌هایی در خود دارند که احتمالاً به جای ریسمان به کار می‌رفته و نشانه آنست که سفال‌گری اساساً از فن سبدبافی به‌وجود آمده است» (گلاک، ۱۳۵۶).

کاوش‌های باستان‌شناسی در بین‌النهرین و آفریقا نیز تایید می‌کنند که حصیر و سبدبافی نه تنها منشا نساجی به شمار می‌آید، بلکه سفال‌گری که شروع آن تحولی بزرگ در زندگی بشری به‌وجود آورد نیز متأثر از این هنر بوده است. در حال حاضر این هنر دستی در تمامی مراحل یک کار زنانه و روستایی محسوب می‌شود و به جز حصیرهای سقف که تا حدودی مردان در تولید آن نقش دارند، سایر محصولات حصیربافی را زنان تولید می‌کنند. اگر چه نقش مردان در تامین مواد اولیه و گاه بردن محصولات تولیدی به بازارهای محلی را نباید فراموش کرد. در غیر اینصورت فروش محصولات نهایی نیز اغلب بر عهده خود زنان روستایی است (جعفری‌نژاد، ۱۳۸۹). بندرانزلی، غازیان، خمام و گلشن مناطقی از گیلان هستند که دارای محصولات حصیری بسیار زیبا و چشم‌نوازی می‌باشند و هر ساله نقش مهمی در اقتصاد گردشگری و جذب توریست در بازارهای محلی دارند.





شکل ۳- محصولات هنر سنتی حصیربافی در استان گیلان (Gilan.mcth.ir).

### مرواربافی

مرواربافی نوعی ترکیه‌بافی است که در این هنر دست‌بافته‌هایی از ساقه‌های نازک یک نوع گیاه با نام «بید مرواری» تهیه می‌شود. مرواربافی در گیلان از قدمت چند دهه‌ای برخوردار است و مرواربافان گیلانی ترکیه‌های مورد نیاز خود را از خارج از استان عمدتاً از تهران و ملایر می‌خرند و محصولاتی نظیر: زنبیل، ساک، سبد، حصیر، زیرانداز، شکلات‌خوری، سطل، جالباسی و غیره می‌بافند (شکل ۴). روستاهای تازه آباد آستانه اشرفیه، صیقلان و جمعه بازار صومعه‌سرا از مهمترین مناطق تولید محصولات مروار هستند که خریداران زیادی را به بازارهای محلی جذب می‌کنند (اصلاح عربانی، ۱۳۸۰).



شکل ۴- محصولات هنر سنتی مرواربافی در استان گیلان (Gilan.mcth.ir).

### بامبوبافی

از هنرهای سنتی و دستی رایج در اقلیم‌های ساحلی هنر بامبوبافی است، زیرا گیاه بامبو (یا نی خیزران) به صورت خودرو و یا کشت شده در آب و هوای مساعد، رطوبت فراوان و خاک مرطوب نواحی ساحلی به خوبی رشد می‌کند. طول گیاه بامبو گاهی تا ده متر نیز می‌رسد و به دلیل خاصیت ارتجاعی که دارد محصولات متنوعی می‌توان از آن تهیه نمود (شکل ۵). از مراکز مهم تولید محصولات بامبو در اقلیم گیلان می‌توان به روستاهای اطراف لاهیجان (به ویژه لیالستان)، سیاهکل و قاسم آباد رودسر اشاره نمود که محصولاتی همچون میز، صندلی، تخت‌خواب، لوستر، انواع وسایل لوکس و غیره را می‌بافند (جعفری‌نژاد، ۱۳۸۹). با وجود، گران تر بودن محصولات بامبو نسبت به سایر محصولات حصیری و مرواربافی باز هم مورد پسند گردشگران بوده و این هنر به رشد اقتصادی مناطق نامبرده شده در گیلان کمک محسوسی نموده است.



شکل ۵- محصولات هنر سنتی بامبوفافی در استان گیلان (Gilan.mcth.ir).

### شال بافی

شال بافی یکی دیگر از هنرهای سنتی و زنانه اقلیم گیلان با قدمتی بیش از ۱۵۰ است. رابینو، ایران شناس و جهانگرد فرانسوی که در سالهای ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۲ میلادی در گیلان به سر برده درباره هنر شال بافی این اقلیم می نویسد: «محصولی که در این منطقه تهیه می شود، پارچه ای به نام شال و جوراب های کوتاه پشمی، جاجیم و مقدار کمی طناب است» (رابینو، ۱۳۹۱). شال پارچه پشمی و تورمانندی است که عرض آن معمولا ۴۰ تا ۱۲۰ سانتیمتر بوده و طول آن با توجه به نوع کاربرد متغیر می باشد. مواد اولیه برای هنر شال بافی پشم گوسفندان است و شال های تولید شده اغلب خودرنگ، بدون طرح و ساده هستند که از نقوذ هرگونه رطوبت و سرما جلوگیری می کنند (شکل ۶). بنابراین، شال بافی هنر سنتی و مورد علاقه ساکنان مناطق مرطوب و سرد کوهستانی به ویژه چوپانان است و به همین دلیل این هنر در میان ساکنان بومی غرب استان گیلان نظیر ماسال، شاندرمن و هشتپر رایج تر است (جعفری نژاد، ۱۳۸۹). متأسفانه در حال حاضر به دلیل گران بودن الیاف پشم و قیمت پایین محصولات در بازارهای محلی، رغبت برای تولید و ارائه این محصول به غیر از مصارف خانگی بسیار پایین است.



شکل ۶- محصولات هنر سنتی شال بافی در استان گیلان (Gilan.mcth.ir).

چادر شب بافی





پارچه سنتی که با استفاده از مواد اولیه ابریشم و پنبه و با دستگاهی چوبی به نام پاچال در شرق گیلان و عمدتاً در روستای قاسم آباد شهرستان رودسر بافته می‌شود، «چادرشب» نامیده می‌شود. عرض این پارچه باریک و حدود ۳۰ سانتی‌متر و طول آن به حدود ۲۴۰ سانتی‌متر می‌رسد و یک چادرشب عموماً از اتصال ۶ تکه به یکدیگر تهیه می‌شود. در این دستبافته سنتی از رنگ‌های متنوع استفاده شده و نقوش به کمک پود نمایان می‌شوند. رنگ زمینه اغلب قرمز و نقوش از نوارهای زربافت با طرح‌های هندسی با رنگ‌های سبز، زرد، آبی، نارنجی و سفید به‌وجود می‌آیند. علاوه بر این، نگاره‌ها ترکیبی از صور طبیعی، اشکال حیوانی و انتزاعی هندسی است (شکل ۷) که برخی از آنها مشابه نقوش سفالینه‌ها و آثار فلزی دوران کهن است. به‌عنوان مثال نقوش شطرنجی و شانه‌ای از گذشته تاکنون تغییری نیافته است. در چادرشب‌های ابریشمی خطوط زیگزاگ با رنگ‌های متناوب سیاه و سفید به چشم می‌خورند که بنا بر عقیده برخی پژوهشگران می‌تواند نمادی از تالو برکه‌های موج در نور خوشید باشند. عموماً از چادرشب برای دوخت پرده، روتختی و رویه لحاف و یا کمر بند زنان روستایی به هنگام کار در شالیزار، فصل سرما و جلوگیری از نفوذ رطوبت استفاده می‌شود. اگر چه زنان قاسم‌آبادی از پارچه‌های زیبای چادرشب لباس‌های بومی زیبایی برای جشن‌های عروسی و میهمانی‌ها نیز تهیه می‌کنند. این لباس‌های بومی شامل کت کوتاه، جلیقه، شلوار، دامن چین‌دار (یا شلیته)، نوارهای پهن برای سربند و روسری می‌باشد (جعفری‌نژاد، ۱۳۸۹). لازم به ذکر است دستبافته سنتی چادر شب از سوغات‌های بی‌نظیر برای گردشگران غیر بومی محسوب شده تا جایی که هر ساله در آیین رنگریزی سنتی ابریشم جهت بافت چادر شب، گردشگران بسیاری از نقاط مختلف ایران به روستای قاسم آباد روانه می‌شوند.



شکل ۷- دستبافته سنتی چادر شب در استان گیلان (Gilan.meth.ir).





نمد نوعی منسوج سنتی نبافته با قدمتی ۶۰۰۰ ساله است که به روش دستی - تنیدنی تهیه شده و اغلب به عنوان زیرانداز مورد استفاده قرار می گیرد. نمد از گذشته تا به امروز به شیوه قدیمی «فشردن، غلتاندن در رطوبت و حرارت» و بر اساس خصوصیات ذاتی الیاف پشم یا گرک (جعددار بودن و پوسته ای شدن) تهیه می شود (شکل ۸). روش کار بدین صورت است که الیاف پشم بلند بهاره گوسفند را با آب گرم و صابون (و یا گاهاً زرده تخم مرغ) مالیده و ورز می دهند تا فلس های الیاف پشم درهم فرو رفته و به فرم یک صفحه صاف، یکدست و نرم (مشابه یک منسوج بافته شده) درآید. فام های رنگی رایج نیز متناسب با نقوش مورد استفاده اغلب «کرم، قهوه ای، خاکستری و قرمز» می باشند. نمد عایقی فوق العاده برای سرما، گرما، رطوبت است و در عین حال محکم، انعطاف پذیر و با دوام است. معمولاً از نمد برای تهیه کلاه، تن پوش (یا پالتو)، زیرانداز، پاپوش و پادری استفاده می کنند (یاوری و عرفانی، ۱۳۹۲). مهمترین مراکز تولید نمد در اقلیم گیلان روستای قاسم آباد و روستاهای اطراف تالش می باشد.



شکل ۸- محصولات نمدالی در استان گیلان (Gilan.mcth.ir).

#### رشتی دوزی (یا قلاب دوزی)

یکی از قدیمی ترین هنرهای سنتی اقلیم گیلان که در آن پارچه های ارزنده ضخیم ماهوتی<sup>۱</sup> به شیوه دستی و از طریق رودوزی با نخ های ابریشمی به کمک قلاب تزئین می شوند «رشتی دوزی یا قلاب دوزی» نامیده می شوند. از سویی دیگر، با توجه به بلوغ بافندگی در اقلیم گیلان که نشانه های آن در دوره های باستانی نیز مشاهده می شود می توان ادعان داشت که اقلیم گیلان از مراکز بسیار قدیمی هنر رشتی دوزی در ایران محسوب می شود. رشتی دوزی به سه روش مختلف ساده دوزی، ضخیم دوزی و تکه دوزی (یا معرق دوزی) تولید می شود و دارای مراحل مختلفی است. ابتدا هنرمند طرح مورد نظر خود را بر روی کاغذ رسم نموده و سپس آن را بر روی پارچه ضخیمی متصل نموده و به کمک سوزن خطوط رسم را سوراخ سوراخ می کند. آنگاه، پودر گچ را بر روی کاغذ پاشیده تا از سوراخ ها عبور نموده و بر روی پارچه بنشینند. بدین ترتیب، طرح مورد نظر بر روی پارچه شکل می گیرد. پس از انتقال طرح، با استفاده از قلاب (یا سوزن مخصوص) و نخ ابریشمی کار رودوزی را انجام می دهند. گفتنی است که در اقلیم گیلان نقوش رشتی دوزی اغلب ذهنی بوده و از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. از رایج ترین این نقش ها می توان به گل، بته جقه، شاخ گوزنی، ترنجی و گرد اشاره نمود. از رشتی دوزی برای تزئین پارچه پرده، رومیزی، کوسن، بازوبند، لباس، سربند و غیره استفاده می شود (شکل ۹).

تا چهاردهه پیش در شهر رشت کارگاه های متعدد رشتی دوزی توسط استادان هنرمند و نامی اداره می شد و این شهر بزرگترین مرکز قلاب دوزی ایران محسوب می شد. متأسفانه در سال های اخیر اکثر کارگاه ها به دلیل کمبود مواد اولیه، افزایش

<sup>۱</sup> نوعی پارچه پرزدار ضخیم که دارای تار و پود محکم بوده و از آن لباس و پرده می دوزند. علاوه بر این، دارای رنگ های سیاه، سورمه ای، زرشکی، قرمز و قهوه ای است.



قیمت‌ها و پایین بودن دستمزدها تعطیل شدند تا جایی که امروزه تعداد اندکی کارگاه وجود دارد. با این وجود، به دلیل زیبایی منحصر به فردی که این هنر سنتی و بومی دارد گردشگران زیادی خواهان تهیه محصولات رشتی‌دوزی هستند (جعفری‌نژاد، ۱۳۸۹).



شکل ۹- محصولات رشتی‌دوزی در استان گیلان (Gilan.mcth.ir).

#### چموش‌دوزی

چموش یک نوع پای افزار قدیمی با قدمت چندین هزار ساله است که از چرم طبیعی تهیه شده و عموماً بدون پاشنه است (شکل ۱۰). این نوع کفش‌ها دارای انواع مختلفی بوده و از پرکاربردترین آنها می‌توان به مدل بند بلندی که به دور پاها پیچیده می‌شود، اشاره نمود. چموش‌ها معمولاً به صورت ساده و بدون رنگ تولید می‌شوند. با این وجود، در گذشته برای رنگ کردن این کفش‌ها از رنگزاهای طبیعی استفاده می‌شده است. لازم به ذکر است که چموش‌ها اغلب با نخ‌های زرد، سبز و قرمز تزئین می‌شوند. ماسوله از مهمترین مراکز تولید این پای افزار قدیمی است.



شکل ۱۰- پای افزار قدیمی چموش (Gilan.mcth.ir).

#### بحث و نتیجه گیری

دستبافته‌های سنتی اقلیم گیلان با استفاده از مواد اولیه بوم‌آورد و به‌منظور برطرف نمودن نیازهای مردمان منطقه شکل گرفته است. در این میان، باورهای قومی و مذهبی، آداب و رسوم، سنن، طبیعت پیرامون هنرمند بافنده و ذوق و سلیقه او بر شکل‌گیری نقوش، طرح‌ها، نوع بافت و فام‌های رنگی به کارگرفته شده بی‌تاثیر نبوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نساجی سنتی از دیرباز تاکنون در کنار پیشه‌های کشاورزی، دامداری و صیادی به اقتصاد ساکنان سخت‌کوش اقلیم گیلان و رشد و توسعه صنعت گردشگری کمک قابل توجهی نموده است.

با این وجود، پژوهش‌های اندک و پراکنده‌ای پیرامون نقش هنرهای دستی و سنتی استان گیلان بر جذب گردشگر و میزان توسعه رشد اقتصادی و گردشگری این اقلیم به چشم می‌خورد. بر این اساس، یک مطالعه میدانی دقیق بر اساس داده‌های کمی و آماری پیشنهاد می‌شود.





## منابع

- اصلاح عربانی، ابراهیم، ۱۳۸۰، کتاب گیلان، چاپ دوم، تهران، گروه پژوهشگران ایرانی.
- الوانی، سیدمهدی و پیروخت، معصومه، ۱۳۸۵، فرآیند مدیریت جهانگردی، چاپ اول، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- حاجی‌علی‌محمد زرگر، آرزو، ۱۳۹۶، مطالعه ریخت‌شناسی سفالینه‌های بومی هرمزگان و گیلان، پایان نامه کارشناسی ارشد صنایع دستی، البرز، دانشگاه هنر، پردیس بین‌المللی فارابی.
- جعفری‌نژاد، سید ابوالفضل، دستبافته‌های گیلان؛ از نخ تا خیزران، فصلنامه فرهنگ مردم ایران، شماره ۲۰ و ۲۱، بهار و تابستان ۱۳۸۹، ۱۲۱-۱۳۸.
- تقوی، مهدی و قلی‌پور سلیمانی، علی، عوامل موثر بر رشد گردشگری صنعت ایران، پژوهشنامه اقتصادی، دوره نهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۸، ۱۵۷-۱۷۲.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت‌نامه دهخدا (جلد ۶)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- رابینو، یاسنت لویی، ۱۳۹۱، ولایات دارالمرز ایران (گیلان)، چاپ ششم، تهران، انتشارات طاعتی.
- زنده‌دل، حسن و سلیمی، زهره، ۱۳۷۸، مجموعه راهنمای جامع ایران‌گردی: استان گیلان (جلد ۲۲)، تهران، انتشارات ایران گردان.
- شادقزوینی، پریسا، تنوع نقش در گلیم‌های دستبافت گیلان، کتاب ماه هنر، شماره ۱۲۸، اردیبهشت ۱۳۸۸، ۴-۱۵.
- شاه‌حسینی، احد و حاجیان‌فروشانی، یاسمن، مطالعه تطبیقی هنر-صنعت حصیربافی در استان‌های گیلان و هرمزگان، جلوه هنر، دوره پانزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۲، ۲۴-۴۲.
- فاخته، قربان، ۱۳۸۶، نگاهی به گیلان زمین، تهران، چاپ اول، انتشارات لوح زرین.
- قاسمی، مریم، ۱۳۸۳، نقش و رنگ دستبافته‌های تالش، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان.
- گلاک، جی، ۱۳۵۶، سیری در صنایع دستی ایران، تهران، انتشارات بانک ملی ایران.
- لطفی‌خاچکی، بهنام، گردشگری به مصابه یک صنعت، مجله راهبرد، دوره یکم، شماره دوم، ۱۳۸۷، ۱۷۱-۲۰۶.
- نصرتی لیالمانی، سپیده و یوزباشی، عطیه، شناسایی نقوش گلیم گیلان و کاربرد آن در طراحی لباس فرم اداری زنانه و مردانه، هنرهای صناعی ایران، دوره سوم، شماره یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۹، ۶۳-۷۹.
- یاوری، حسین و عرفانی، فاطمه، ۱۳۹۲، هنرهای سنتی ایران در یک نگاه، تهران، انتشارات سیمای دانش.

Salimpour Abkenar, Samera. (2021). Rice Traditional Ceremonies in North of Iran: Gilan Province, Lambert Academic Publishing.



## Tourism and Traditional Hand Wovens in Gilan Province

Samera Salimpour Abkenar

Assistant Professor, Traditional Arts Group, Research Institute of Cultural, Heritage, and Tourism (RICHT)

### Abstract

For most people, tourism is related to spending free time to restore strength and relieve physical and mental fatigue. Nevertheless, in many countries, tourism is considered an important economic part that has a significant contribution to its growth and development. When a tourist goes to the desired destination to spend his leisure time, he tends to bring the best and sweetest memories with him. Therefore, he is looking to spend his time visiting tourist attractions, tasting local foods, socializing with residents, and buying unique souvenirs that only belong to that region. One of the tourist attractions for tourists, based on which they can understand the historical, cultural, and social identity and customs of the residents of the region, is traditional and native hand woven. Therefore, this study aims to introduce the traditional hand woven of one of the most tourist regions of Iran, Gilan province. Also, this study seeks to find an answer to the question of what role the traditional hand woven Gilan plays in attracting tourists and the economic growth of the region. The results show that the formation of traditional hand woven Gilan is under "geographical climate, vegetation, and natural raw materials"; as in addition to meeting the needs of the residents, it has contributed significantly to the family economy and their livelihood, along with the agricultural and fishing professions. The research method is based on library studies and the descriptive-analytical method.

**Keywords:** Tourism, Traditional hand woven, Gilan province.